

تابستان سال ۷۱ وقتی گروهی از همکاران سیدمرتضی آوینی از جمله نادر طالبزاده برای شکستن کلیشه گزارش‌های خبری بی‌خاصیت آن روز صداوسیمیا و برای تهیه فیلم مستندی از نسل‌کشی مسلمانان توسط صرب‌ها، با پذیرش خطرهای بی‌شمار جانی به دل مناطق جنگ‌زده بوسنی در قلب اروپا زدند و «خنجر و شقایق» را ساختند، شاید گمان نمی‌کردند این تلاش آنها بعدها با مثله شدن فیلم‌شان توسط مدیریت وقت صداوسیمیا به یکی از مهم‌ترین جنجال‌های فرهنگی زمانه خود تبدیل شود. اما آن حاشیه‌ها نه‌تنها نشان‌دهنده خصومت مدیریت سازمان صداوسیمیا و تیم سازنده بود، بلکه با نگاهی دیگر نشان‌دهنده عدم درک اهمیت «مستند بحران» و لزوم بی‌بیزاری رسانه‌های ایرانی از تصاویر جهت‌دار رسانه‌های خارجی از چنین وقایعی نیز بود. کمی به عقب بازگردیم، سال ۱۳۳۷ وقتی ابراهیم گلستان با سرمایه دولتی و به قصد ساخت مستندی سفارشی برای شرکت نفت فیلمی درباره مهر یکی از بزرگ‌ترین آتش‌سوزی‌های تاریخ نفت ایران با نام «یک آتش» ساخت و یکی از نخستین جوایز سینمای ایران از جشنواره‌های جهانی را از ونیز به دست آورد، شاید خودش هم به این نکته دقت نکرده بود که علاوه بر باز کردن پای ایران به جشنواره‌های جهانی، ساخت نخستین نمونه‌های مستند بحران را هم به نام خود ثبت کرده است. اگرچه او پیش از آن نیز تجربه تهیه فیلم و گزارش از کودتای ۲۸ مرداد را برای شبکۀ بی‌بی‌سی در کارنامه داشت. بعد از آن اما شاید بتوان مهم‌ترین مستندها از درگیری‌ها و بحران‌ها را در میان فیلم‌های تهیه‌شده از دل انقلاب اسلامی یافت. مهم‌ترین فیلم این دوره را حسین ترابی با نام «برای آزادی» ساخت که بعدها قسمت‌های مختلفی به کرات در بسیاری از آثار تصویری که با محوریت انقلاب ساخته شد، مورد استفاده قرار گرفت و در سال‌های گذشته نیز توسط «مارک کازینز» مورخ و منتقد سینما در موسسه بی‌اف‌ای لندن به عنوان ۱۰ فیلم مستندی که دنیا را تکان داد، در کنار آثاری از لنی ریفتشتال و مایکل مور انتخاب شد. هرچند کیانوش عیاری نیز در مستند «تازنفش‌ها» تصویر مطلوب خود را از انقلاب و انقلابیون به تصویر کشید. پس از انقلاب و با آغاز جنگ، مستندسازان بحران راهی مناطق جنگی شدند و به ثبت تصاویر دفاع‌مقدس مشغول شدند. در این میان سیدمرتضی آوینی و مجموعه روایت فتح‌ش تبدیل به نام‌های ماندگار مستندسازی از دفاع ۸ ساله شدند و مهم‌ترین تصویر را از جنگ ایران و عراق در حافظه تاریخ ایرانی ثبت کردند. پس از پایان جنگ اما مستندسازان که به ثبت دفاع ۸ ساله مشغول بودند به چند گروه تقسیم شدند. عده‌ای باز هم به مستندسازی درباره جنگ ایران و عراق ادامه دادند و عده‌ای دیگر به دل بحران‌های کشور‌های مختلف جهان سفر کردند. رضا برچی از چهاردهی شاخص گروه دوم است که از مهم‌ترین خبرنگاران جنگی جهان نیز به حساب می‌آید. او که سابقه عکاسی در جبهه و همکاری با گروه روایت فتح را داشت پس از پایان دفاع‌مقدس بیشتر عمر خود را در جنگ‌ها و آشوب‌های نقاط مختلف دنیا سپری کرد و ۱۴ جنگ مهم از جنگ‌های عراق و افغانستان تا چینسنگستان، کنگره فریباغ، چچن، بوسنی، کوزوو، لبنان، سومالی، سودان، غزه و جنگ‌های خلیج‌فارس را از درجه دوربین خود ثبت کرد. برچی تنها خبرنگار و مستندساز جهان است که توانسته است مدتی را با اسامه بن‌لادن، رهبر القاعده، زندگی کند. او همچنین به همراه محمدحسین جعفریان، دیگر مستندساز بحران مهم سینمای



**مروری بر سیر مستند بحران در تاریخ سینما و تلویزیون**

# از «خنجر و شقایق» تا «تنها میان طالبان»

مستند ایران که سال‌های طولانی از عمر خود را در افغانستان گذراند و درگیری‌ها و جنگ‌های آنجا را از نزدیک دید، جزو ۶ خبرنگار و مستندساز دنیا هستند که توانسته‌اند «ملامحمد عمر» رهبر طالبان افغانستان را از نزدیک ببینند و با او گفت‌وگو کنند. حاصل تلاش‌ها و حضورهای مستمر برچی و جعفریان در مناطق مختلف دنیا اما ساخت مستندهایی مانند «شیر دره پنجشیر» با محوریت زندگی احمدشاه مسعود، «سفر به جمهوری طالبان»، «افغانستان سلام» و «چه کسی ما را کشت؟» درباره کشتار دیپلمات‌های ایران در مزار شریف از محمدحسین جعفریان، «سواحل اشک و زیتون» درباره جنگ ۳۳ روزه لبنان و «مادران سرپریتسا» درباره فجایع بوسنی در رضا برچی و «نسل گمشده» درباره جنگ کوزوو به‌صورت مشترک است. در این سال‌ها البته مستند بحران ایران تنها محدود به جنگ‌ها نماند و با وقوع بلایای طبیعی مانند زلزله مستندهایی مانند مستند «آن شب که…» از فرهاد مهرانفر درباره زلزله رودبار و مستند «اسیاب‌های پادی» از مهرداد اسکویی. اما همچنان مهم‌ترین مستندهای بحران ایرانی را آثاری با محوریت درگیری‌های منطقه‌ای تشکیل می‌داد. «سپهر کریمی» که با به اسارت درآمن توسط نیروهای آمریکایی در عراق همراه با سعید ابوطالب در سطحی گسترده در جامعه شناخته شد تنها فیلمسازی بود که فیلمی با محوریت کشتار شیعیان در پاراچنار با نام «رخم پیوار» ساخت. او همچنین «فتنه شام»، «زیتون تلخ»، «ما چند نفر؟» و «همه بچه‌های سیداعلا» را با محوریت اتفاقات سوریه



مستند تحسین‌شده «پل» اما مستندهای دیگری نیز با محوریت عملیات‌های مختلف مبارزه با تروریست‌ها ساخته شده است. از جمله «روز ناتمام فرمانده و من» ساخته محسن اسلام‌زاده که روایتگر فعالیت گروهی از مستندسازان ایرانی است که بهار سال ۹۴ با یکی از فرماندهان نظامی عراق در حمربین همراه شدند تا بخشی از عملیات آزادسازی شهر تکریت را ثبت کنند اما در اواسط کار، فیلمبردار مستند به همراه فرمانده عراقی توسط نیروهای داعش مجروح شدند و ساخت مستند نیمه‌تمام باقی ماند. مستند ۳ قسمتی «بدون مرز عشق» به کارگردانی وحید فرهانی نیز آزادسازی استان صلاح‌الدین عراق را روایت می‌کند. فرهانی در مستند «بی‌چی» هم روایتگر عملیات آزادسازی بالایشگاه بی‌چی از دست نیروهای تکفیری است و در فیلم «با مرگ، زندگی» روزهای آزادی ۲ شهرک استراتژیک نبل و الزهرا را روایت می‌کند. در مستند «قای ژنرال» نیز سیداحسان اصغرزاده دست روی یکی دیگر از عملیات‌ها گذاشته و با تیمی از ارتش سوریه که برای پاکسازی یک اردوگاه فلسطینی در سوریه اعزام شده‌اند همراه شده است. در این میان بسیاری از مستندها نیز دست روی شهدا و شخصیت‌های شاخص جنگ گذاشته‌اند. از «بووهب» حسین پالیزدار که روایتگر زندگی سردار شهید حسین همدانی است تا «عارف مسلح» وحید فرهانی که درباره شهید هادی ذوالفقاری است و «فرمانده» به کارگردانی محمدهادی نعمت‌الهی که روایتی است از زندگی شهید علیرضا توسلی بنیانگذار و فرمانده لشکر فاطمیون و همچنین «فرمانده جوان» از روح‌الله رفیعی که دستت روی زندگی و شهادت فرمانده گردان خطشکن سرابالخراسانی گذاشته است که پیش از جنگ فارغ‌التحصیل رشته مدیریت از دانشگاه کربلا بوده است. «شیر غوطه» از علی محمد ذوالفقاری نیز با محوریت شخصیت سرتیپ شهید محمد محمودعلی از فرماندهان ارتش سوریه ساخته شده است که با شعله‌ور شدن آتش بحران سوریه داوطلبانه به رسته‌های عملیاتی پیوست و نقش بارزی را در آزادسازی مناطق بیابانی اطراف دمشق داشت و مدافعان حرم بودیم که سینمای مستند ایران را کاملاً تحت تأثیر خود قرار دادند و به اصلی‌ترین درجه آگاهی و شناخت مردم از اتفاقات کشورهای مستندسازی مرتبط با داعش و مدافعان حرم علاوه بر اینکه توانسته‌اند طیف گسترده‌ای از مردم را جذب خود کنند، در جشنواره‌ها و محافل سینمایی نیز مورد تحسین قرار گرفتند. از جمله مستند «A۱۵7» که با دستمایه قرار دادن مضمون امنیت، به داستان ۳ دختر نوجوان می‌پردازد که توسط نیروهای داعش مورد تجاوز قرار گرفته‌اند، مستندی که توانست جایزه بهترین فیلم مستند جشنواره فجر را به دست بیاورد و تبدیل به نخستین مستند ایرانی شود که در بخش بین‌الملل جشنواره فجر نیز مورد تقدیر قرار گرفته است. بعدها مستند «بازگرد» به کارگردانی ماریا بوتی با دیگر جنگ را از منظر زنان نگاه کرد و زندگی زنان ایزدی در مناطق تحت کنترل داعش را روایت کرد. مستند «پل» از امیرحسین نوروزی نیز در نهمین جشنواره بین‌المللی سینماحقیقت توانست دیپلم افتخار بهترین کارگردانی مستند نیمه‌بلند را بدست بیاورد. مستندی که در آن مستندساز به همراه دوربین‌بان یک گروه از مدافعان شیعه عراقی همراه می‌شود که باید با وجود حضور تک‌تیراندازهای داعشی در آن‌سو، از روی پلی کوتاه و کم‌عرض بگذرند و آن‌طرف نهر با نیروهای داعش درگیر شوند و در این بین مستندساز نیز در صف اول مبارزه با تروریست‌ها حضور دارد. جز

مستشارهای نظامی ایرانی در مناطق عملیاتی سوریه عراق شاهد جریانی از آثار مستند مرتبط با بحران داعش و مدافعان حرم بودیم که سینمای مستند ایران را کاملاً تحت تأثیر خود قرار دادند و به اصلی‌ترین درجه آگاهی و شناخت مردم از اتفاقات کشورهای مستندسازی مرتبط با داعش و مدافعان حرم علاوه بر اینکه توانسته‌اند طیف گسترده‌ای از مردم را جذب خود کنند، در جشنواره‌ها و محافل سینمایی نیز مورد تحسین قرار گرفتند. از جمله مستند «A۱۵7» که با دستمایه قرار دادن مضمون امنیت، به داستان ۳ دختر نوجوان می‌پردازد که توسط نیروهای داعش مورد تجاوز قرار گرفته‌اند، مستندی که توانست جایزه بهترین فیلم مستند جشنواره فجر را به دست بیاورد و تبدیل به نخستین مستند ایرانی شود که در بخش بین‌الملل جشنواره فجر نیز مورد تقدیر قرار گرفته است. بعدها مستند «بازگرد» به کارگردانی ماریا بوتی با دیگر جنگ را از منظر زنان نگاه کرد و زندگی زنان ایزدی در مناطق تحت کنترل داعش را روایت کرد. مستند «پل» از امیرحسین نوروزی نیز در نهمین جشنواره بین‌المللی سینماحقیقت توانست دیپلم افتخار بهترین کارگردانی مستند نیمه‌بلند را بدست بیاورد. مستندی که در آن مستندساز به همراه دوربین‌بان یک گروه از مدافعان شیعه عراقی همراه می‌شود که باید با وجود حضور تک‌تیراندازهای داعشی در آن‌سو، از روی پلی کوتاه و کم‌عرض بگذرند و آن‌طرف نهر با نیروهای داعش درگیر شوند و در این بین مستندساز نیز در صف اول مبارزه با تروریست‌ها حضور دارد. جز

■

■

■

**حضور ۴۲ نفر از ۴۴ رئیس‌جمهور تاریخ آمریکا در سینمای هالیوود**

## حاجی واشنگتن

آدامز» با بازی «آنتونی هاپکینز». در این فهرست پرشمار «ویلسون» هنری کینگ با وجود تمام نظرات و نقدهای منفی علیه آن پرفراخ‌ترین فیلم با موضوع یک رئیس‌جمهور در آمریکا به حساب می‌آید. «ویلسون» روایتگر دوران قبل از ریاست‌جمهوری «وودرو ویلسون» و زمانی است که وی برای فرمانداری نیوجرسی تلاش می‌کرد. «ویلسون» نامزد ۱۰ جایزه اسکار از جمله جوایز بهترین فیلم، کارگردانی و بهترین بازیگر نقش اول مرد شد و در نهایت توانست ۵ جایزه اسکار از جمله اسکار بهترین فیلمنامه ارچیتال را به خود اختصاص دهد. عنوان قدیمی‌ترین فیلم با حضور رؤسای جمهور آمریکا را هم باید به «تولد یک ملت» دیوید گرینیت داد که با بودجه‌ای کمتر از ۱۰۰ هزار دلار ساخته شد و بین ۵۰ تا ۱۰۰ میلیون دلار فروش کرد و در ر ۲ رئیس‌جمهور مشهور ایالات متحده، «آبراهام لینکلن» و «پولسیسی گرات» حضور دارند. در این‌بین اما می‌توان از ایرانی‌ترین فیلم با حضور یکی از رؤسای جمهور ایالات متحده هم نام برد. «حاجی واشنگتن» ساخته پرحاشیه «علی حاتمی» که به مقطعی از تاریخ روابط ایران و آمریکا می‌پردازد که «گروور کلینولد» رئیس‌جمهور ایالات متحده بود و نقش او را هم «پچارد هریسون» ایفا کرده است. باید به این نکته هم توجه داشت که در بین فیلم‌های هالیوودی آثار پرشماری را هم می‌توان دید که در آنها رؤسای جمهور بعضاً حتی بدون هیچ دلیل دراماتیک حضوری گذرا یا هیپ‌کاکجی داشته‌اند، از سکناس دست دادن «فارست گامپ» با کندی تا حضور لینکلن در انیمیشن «فیلم لگویی». انقلاب‌ها، کودتاها، ترورها، رقابت‌های انتخاباتی و رسوایی‌های چهرها و گروه‌های

آثاری مانند «واگونی» و «گزارش پلیکان» نشان داد علاقه زیادی به ساخت درام‌های سیاسی دارد و همواره به عنوان یکی از بهترین سازندگان آثار سیاسی شناخته شد. «همه مردان رئیس‌جمهور» اما نه‌تنها روایتی از یکی از مهم‌ترین جنجال‌های سیاسی تاریخ آمریکاست، بلکه یکی از مهم‌ترین آثار تاریخ سینما درباره رسانه‌ها و اهمیت روزنامه‌نگاری و روزنامه‌نگاران نیز هست. محوریت فیلم تلاش‌های شبانه‌روزی ۲ روزنامه‌نگار، با بازی «اوبرت ردفورد» و «استین هافمن»، طی چندین ماه برای یافتن حقیقت و افشای آن است. نکته قابل تامل آنکه برای به تصویر کشیدن تلاش‌های وودوارد و برنستین برای نوشتن گزارش‌های رئیس‌جمهور» که ۲ سال پس از استعفای ریچارد نیکسون، سی‌وهفتمین رئیس‌جمهور ایالات متحده ساخته شد، روایتگر رسوایی «واترگیت» و روند افشای آن توسط ۲ روزنامه‌نگار جوان روزنامه واشنگتن پست است که در نهایت منجر به کناره‌گیری رئیس‌جمهور از مقام خود شد. ماجرای «واترگیت» به دستگیری ۵ دزد در هتلی به همین نام که در آن زمان محل ستاد مرکزی حزب دموکرات در جریان رقابت‌های انتخاباتی آمریکا بود اطلاق می‌شود. ماجرای که در ابتدا یک دزدی ساده به نظر می‌آمد اما پس از کشف وسایل استراق سمع و مشخص شدن سوابق امنیتی و روابط سیاسی آن ۵ نفر، با پیگیری «باب وودوارد» و «کارل برنستین»، ۲ روزنامه‌نگار جوان واشنگتن‌پست، حاشیه‌های آن تا پس از رقابت‌های انتخاباتی و پیروزی نیکسون ادامه پیدا کرد و با افشای تلاش وی برای جاسوسی از حزب رقیب و سپس سرپوش گذاشتن بر آن با کناره‌گیری او پایان یافت. پس از این اتفاقات اما «همه مردان رئیس‌جمهور» با علاقه و پیگیری رابرت ردفورد، در مقابل نیز نقش «باب وودوارد» را در فیلم ایفا کرد و پیشنهاد او توسط «آلن جی‌پاکولا» ساخته شد و با نامزدی در ۸ رشته در جوایز اسکار موفق در دریافت ۴ اسکار شد. پاکولا نیز بعدها با ساخت

■ **یادآوری ۲۳**

**تاریخ مشروطه**

- دکتر موسی نجفی**

با تحقیق عمیق‌تر در متون مشروطیت، به این نکته واقف می‌شویم که در همان زمان مشروطه، منتهای روان و روشنی وجود دارد که با توجه به فرهنگ بومی و روحیات مردم، به بیان علت درد و طریقه درمان آن می‌پردازد. و اینگونه بیان‌ها بوده که بیشترین اثر را برای شوق به حرکت در مردم ایجاد می‌کرده است. ج- میزبان تأثیر متون اندیشه مذهبی در مشروطیت

از آثار مزبور، تعدادی مربوط به نظریات علمای دینی و مجتهدان تراز اول و تعدادی نیز به قلم مذهبیبون و ملیون آزادی‌خواه پرشور آن عصر است. در این آثار، نکات و جاذبه‌هایی متناسب با وضعیت امروز وجود دارد که آنها را خواندنی و نو می‌کند. به منظور بررسی تطبیقی این آثار، به یکی از رسائل آفتاب و زمین، نظر می‌اندازیم، تا ببینیم بیان حماسه و تحلیل وقایع تاریخ و درس دادن از آن وقایع برای انقلاب مشروطه به چه نحو صورت می‌گرفته است. در این رساله، حماسه و شور مردم چنین توصیف شده است:

چه شدند مسلمانان دین باور؟ کجا رفتند ایرانیان ایمان‌پرور؟ بزرگان اسلام چه شدند؟ سرداران ایران کجايند؟ روح اسلام در کیست و خون ایران در کدام؟ حال که آنها زنده نمی‌شوند، کاش ما بیدار شویم...
... ایران یک مملکتی است که اهالی آن دارای عقاید و معنویاتی هستند که اگرچه تمام قسوی مادی آن هم از میان برود و از غفلت و غرور، گاه به گاه نهایت ضعف و ناتوانی حاصل کند، باز به واسطه همان عقاید و معنویات، به محض آنکه یک نفر دل آگاه و خیرخواه قد مردانگی برافرازد و دامن همت را برای اعاده سعادت و استقلال و شوکت و جلال آن بر کمر زند، و خورشید آسا از مشرق استعداد این خاک تابناک طلوع کند، فوراً و بلادرنگ اهالی مملکت هم که در تیرگی شب‌های غفلت و تن آسایی به خواب رفته بودند، از تابش آفتاب با فر و تاب بیدار گشته، و سر از پای نشناخته، پروانه‌وار گرد شمع وجود آن بزرگمرد جمع گشته، پریشانی‌ها را فراهم می‌ساختند... عقیده و معنی را این دو شعر درخشنده مهر سپهر غیرت و مردانگی و فرزند بی‌ماند ایران، فردوسی‌طوسی- که رحمت بر آن تربت پاک باد- بخوبی می‌توان دریافت:

چنین گفت نانا که مردن به نام

به از زنده و دشمن شادکام

تن مرده و گریه دوستان

به از زنده و طعنه دشمنان
و نیز تمام شعرا و ادبا و حکمای علمای ایرانی که می‌توانیم آنها را فرزند ایران بنامیم، همین معانی را در اشعار و کلمات خود اشعار و اظهار داشته‌اند...

در رساله آفتاب و زمین، برای بیان زمانی که ملت ایران اسیر درد و رنج و گرفتار سلطه بیگانه هستند، با جمالتی زیبا و علمه فهم، بخوبی و روشنی توضیح داده شده است که:

همیشه ایرانیان در مانند اینگونه زمان، پدران فرزند مرده بودند و فرزند پدر کشته؛ همه سوگوار بودند و همگی خشنمک؛ دل‌های‌شان آتش‌ساز بود و چشم‌های‌شان شربزار؛ چهره‌شان پر از چین بود و سینه‌شان آکنده از کین؛ جامه‌شان سیاه بود و خانه‌شان تاریک. آمد و رفت‌شان با خوی‌شان همدرد بود و گفت و شنودشان با همدردان خویش؛ آنی از جوش و خروش نمی‌افتادند و تا آنچه از دست داده، بیچنگ نمی‌آوردند، از پای نمی‌نشستند؛ و مادام که خصم را به جای خود نمی‌نشانیدند، در بستر راحت نمی‌خوابیدند. سرورشان در آزادی از بند دشمن بود و سرورشان در استقلال و آبادی وطن. و اگر این کارهای بایسته را نپرداخته بودند، پارک سازی و خانه‌پردازی را شایسته نمی‌دانستند. و مادام که تاج و تخت مملکت را از تصرف غیر، خارج و عساکر متجاوز را از قلمرو حکومت اخراج نکرده بودند، از پذیرفتن نام مملکت مدار و قبول اسم فرمانگذار شرم کرده، از خود این آب و خاک آزرم داشتند و چون چنین بودند، چنان بودند...

در این رساله، توجه به عادت و آداب قومی، شرط اصلی پذیرش اصول جدید آزادی و مقابله باستبداد معرفی می‌شود:

چون هر مملکت و ملتی را دین و مذهب و آداب و احتیاجات و منافع علیحده است، نمی‌توان قوانین مشروطه را کلا و بدون شور و اخذ رأی و ملاحظات فوق‌الذکر از مملکتی دیگر تقلید و اخذ کرد.

اینگونه جملات و اصول از زبان کسی در می‌آید که تحصیلات غربی نداشته، همچنین از تفکر و ایمان انسان پرشوری بر آمده که توجه به واقعیات و مقدسات مذهبی و ملی خود و نه از سر تفنن و تقلید به پای‌بریزی اصول و تمدن و حکومت برای ملت خود نوشته است.

**ادامه دارد**